



اکبرزاده، فاطمه و هاشمیان فر، سید علی (۱۳۹۸). از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی؛ گونه شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۴)، ۲۰۶-۱۷۷.

از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی؛ گونه شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید

فاطمه اکبرزاده^۱ و سید علی هاشمیان فر^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲

چکیده

ازدواج سفید پدیده‌ای مدرن و مفهوم تعهد، یکی از پروبلماتیک‌ترین مفاهیم عصر مدرن است. این تحقیق با رویکرد نظریه مبنایی انجام گرفته و میدان تحقیق، افراد هم‌بالین شهر اصفهان هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری، با ۱۸ نفر از آنان مصاحبه انجام شد. جستجوی پاسخ برای این پرسش که تعهد در ازدواج سفید چگونه بر ساخته می‌شود، نشان داد که تعهد نه تنها مفهومی با معنای ثابت نیست بلکه در طی زمان و مکان و بر حسب شرایط، تحول یافته و در چارچوب فضایل اخلاقی برداشت می‌شود. همچنین تیپولوژی تعهد در ازدواج سفید، طیفی از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی را در بر می‌گیرد که در یک سر طیف معنای عرفی‌اش قرار دارد که برگرفته از هنجارها و ساختارهای مسلط بیرونی بوده و قواعد مرسوم در روابط زناشویی رسمی در این سنخ حاکم است. سنخ شناسایی شده در دامنه دیگر طیف، تعهد به منزله اخلاق فراعرفی است که ناظر بر روابط برابری‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و غیر متأثر از ایدئولوژی‌های فرهنگی است و معنایی درونی‌شده‌تر، فردی‌شده‌تر و خودگزیده‌تر دارد. نهایتاً می‌توان گفت، تعهد در ازدواج سفید، معنایی وسیع، چندبعدی، نسبی و سیال دارد و نمی‌توان این مفهوم را در این سبک از زندگی، ذیل یک قاعده کلی، ارزش‌گذاری نمود.

کلیدواژه‌ها: ازدواج سفید؛ تعهد؛ اخلاق متعارف؛ اخلاق فراعرفی؛ گونه شناسی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، irandokhtakbarzadeh2@gmail.com
۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، seyedalihashemianfar@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

در جهان امروز، تغییرات با سرعت و شدت در حال رخ دادن است و مستقیم و غیر مستقیم تمام عناصر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی جوامع را در می‌نوردد. در این میان خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی از سرعت تغییرات فزاینده معاصر در امان نمانده و امروزه شاهد اشکال نوپدید خانواده در سرتاسر جهان هستیم. ازدواج نیز به طور بسیار چشمگیری در دهه‌های اخیر تغییر شکل داده و تا حدی پیش رفته که محققان اذعان می‌دارند که "نقش ازدواج به خودی خود در جامعه کمرنگ شده است" (وایت و گالاگر^۱، ۲۰۰۰: ۱۵). محققان دیگری نوشته‌اند که ما اکنون "در یک فرهنگی که از چگونگی روابط صمیمی و معانی اشکال مختلفش درک ضعیفی داریم"، زندگی می‌کنیم (بامپس و سویت^۲، ۲۰۰۱: ۲۹۷).

در سالهای اخیر کاهش ازدواج دائم، نرخ روزافزون طلاق، افزایش تجرد قطعی و میانگین سن ازدواج، افزایش سطح تحصیلات زنان، سکولاریزه شدن و شهری شدن همگی معنای رایج ازدواج را تحت شعاع قرار داده‌اند. از دهه ۱۹۶۰ در کشورهای غربی، هم‌بالینی به عنوان یک مرحله گذار بین زندگی مجردی و ازدواج، و تا اندازه‌ای به عنوان جایگزین ازدواج به شکل فزاینده‌ای محبوب شده است. (ناک^۳، ۲۰۰۹؛ والر و پیترز^۴، ۲۰۰۸). کاهش ازدواج به معنای کاهش رابطه عاطفی و جنسی بین زنان و مردان نیست، بلکه افراد و عموماً جوانان در شرایط گذار جامعه ایران به منظور تأمین نیازهای خود و رهایی از شرایط ازدواج رسمی و قانونی، بدیلی برای آن یافته‌اند که ازدواج سفید^۵ نامیده می‌شود. شیوع پدیده نوظهور ازدواج سفید به مثابه رابطه زناشویی ثبت نشده‌ای است که با عنوان معضل اجتماعی رو به گسترش به ویژه در کلان‌شهرها و مناطق مهاجرپذیر از آن یاد می‌شود. منتقدان خانواده سفید معتقدند که واژه "ازدواج سفید" واژه درستی برای تبیین این نوع از خانواده نیست. آنها پیشنهاد می‌کنند که یک سری واژه‌های جایگزینی مانند "هم‌بالینی"^۶، "هم‌باشی سیاه"^۷ یا "زندگی مشترک غیرقانونی"^۸ استفاده شود (محبوبی^۹، ۲۰۱۶: ۱۲۸۴).

«ازدواج سفید» در شهرهای مختلف ایران، بدل به خرده فرهنگی شده که به رغم میل

-
- 1- Waite and Gallagher
 - 2- Bumpass and Sweet
 - 3- Nock
 - 4- Waller & Peters
 - 5- white marriage
 - 6- Cohabitation
 - 7- Black Cohabitation
 - 8- common life without law
 - 9- Mahboobi

والدین و سنت‌های ستر بازدارنده، در میان بخشی از جوانان جا افتاده است. تمامی این تغییرات هنجاری و اجتماعی ممکن است که پیامدهای دراز مدتی برای خانواده، روابط بین نسلی و همچنین برای میزان باروری، سطح رفاه و فقر داشته باشد. اما آنچه موضوع ازدواج سفید را مسئله‌مند می‌نماید، تغییراتی است که در حیطه تداوم ازدواج و "تعهدات زوجین" صورت گرفته است. تعهد در ازدواج سفید به ویژه به عنوان یک مورد خاص از تعهد است که شامل پیچیدگی‌های فردی، اجتماعی و حقوقی بوده و در انواع روابط دیگر یافت نمی‌شود (آدامز و جونز، ۱۹۹۷ و ناک، ۱۹۹۵). برخی معتقدند که اساساً، ازدواج سفید نوعی رابطه "بدون تعهد" است و برخی تعهد در ازدواج سفید را "شکننده و ناپایدار" و منوط به یک رابطه رضایتبخش می‌دانند (فرامرز و همکاران، ۱۳۹۶). در همین رابطه، باومن با اشاره به موج رو به تزاید "تعهدهراسی"^۲، اذعان می‌دارد که ما با فلاکتی ناشناخته و تصورناپذیر روبرویم و این از آن جهت است که روابط "جدید" و "کمتر متعهدانه"^۳، زمان و دوام رابطه را تا جایی که رضایت حاصل می‌شود، فرو می‌کاهد (باومن^۴، ۲۰۰۸). عقلانیت مدرن سیال امروز ما در تعهدات پایدار، نوعی ظلم و ستم کشف می‌کند و در تعهد بادوام، وابستگی عاجز کننده، می‌بیند یعنی وعده تعهد، در بلند مدت، پوچ و بی‌معنی است (باومن، ۱۳۹۲). در انتها الیه این روند، شاهد رشد فزاینده و سریع خانوارهایی هستیم که متشکل از زوج‌هایی است که باهم زندگی می‌کنند؛ اما از پیمان ازدواج منزجر هستند (باومن، ۲۰۰۸).

تحقیقات نشان می‌دهد که یکی از مشکلات روابط امروزه، فقدان وجود تعهدی است که می‌تواند ضامن پایبندی طرفین به یکدیگر باشد. به نظر می‌رسد این مسأله در کلان شهرها بغرنج تر باشد. اصفهان نیز همانند دیگر کلان‌شهرهای ایران، از آسیب‌های حوزه خانواده و روابط بین فردی بی‌نصیب نمانده و تحقیقات از بالا بودن میزان طلاق، روابط پیش از ازدواج، عدم تعهد در روابط، ناهنجاری‌های فردی و خانوادگی در این شهر حکایت دارد (قلی زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ زردی و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو، با توجه به اهمیت، پیچیدگی موضوع و حساسیت‌های موجود در این زمینه، واکاوی مفهوم تعهد از منظر زوجین وارد شده در ازدواج سفید می‌تواند گام دیگری در راستای بررسی تأثیر روابط قبل از ازدواج در ابعاد زندگی زناشویی آتی باشد. از طرفی، در خصوص درک تجربیات افراد هم‌بالین از مفهوم تعهد، چه در عرصه ذهنی و چه در عرصه عینی و رفتاری هیچ‌گونه تحقیق پیشینی در ایران انجام نشده و این

1- Adams & Jones
 2- Commitment-phobia
 3- Commitment-light
 4- Bauman

پژوهش می‌تواند خلأ تحقیقاتی در این زمینه را جبران نموده و با درون‌کاوی به شناخت بیشتر این پدیده نوظهور کمک نماید.

همچنین از آنجایی که ثبات و تعهد هم بر مبنای احساس و عاطفه و هم بر مبنای قصد و نیت است، فهم آن مستلزم نگاه به درون فرد در فرآیند معناسازی است. بر اساس رویکرد نظریه زمینه‌ای، زوجین در فرایند زندگی مشترک، طبق پنداشتی که از تعهد در رابطه‌شان دارند و تفسیری که در هر موقعیت از آن به عمل می‌آورند، حفظ، بقا یا از هم گسیختگی رابطه را می‌سازند و متناسب با آن، این تحقیق در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که "تعهد" از منظر افراد مشارکت‌کننده در ازدواج سفید چگونه بر ساخته می‌شود؟ به عبارتی، زنان و مردانی که وارد ازدواج سفید شده‌اند چه معنایی برای تعهد در این رابطه قائلند؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

ازدواج سفید اصطلاحی است که امروزه مقامات رسمی ایرانی و رسانه‌های جمعی و نیز محافل آکادمیک به عنوان توصیفی برای طبقه‌بندی شکلی از روابط میان پسران و دخترانی که به صورت مذهبی و رسمی ازدواج نمی‌کنند، استفاده می‌شود. در این نوع از رابطه، روابط احساسی و ذهنی، صمیمیت، مبادلات اقتصادی، حمایت خانوادگی، دوستی و موارد دیگری که بخشی از امر ازدواج است، دیده می‌شود (محبوبی، ۲۰۱۶).

ازدواج سفید را می‌توان معادل اصطلاح «هم‌بالینی بدون ازدواج»^۱ دانست (کلچین و صفری، ۱۳۹۶: ۳۳). کاربرد و رواج نسبی اصطلاح «ازدواج سفید» در ایران با کاربرد این واژه در فرهنگ‌های غربی، همخوانی نداشته و به جای اصطلاح «هم‌بالینی بدون ازدواج» به کار رفته است. امروزه، در غرب، معمولاً از دو نوع عمده هم‌بالینی یاد می‌شود: «هم‌بالینی پیش از ازدواج»^۲ و «هم‌بالینی بدون ازدواج». در الگوی اول، هم‌بالینی بیشتر مرحله‌ای مقدماتی و آزمایشی است برای رسیدن به ازدواجی بهتر (مارو و شی، ۲۰۱۰؛ رادز و همکاران، ۲۰۰۹)؛ اما در الگوی دوم، هم‌بالینی اساساً ازدواج را به حاشیه رانده و خود بر مسند آن نشسته است. هم‌بالینی پیش از ازدواج به «تأخیر» ازدواج‌ها انجامید و هم‌بالینی بدون ازدواج، به انکار آن. از

1- Non-marital cohabitation

2- premarital cohabitation

3- Murrow and Shi

4- Rhoades et al.

طرفی، در الگوی اول، هم‌بالیینی‌ها کوتاه‌تر و در الگوی دوم، طولانی‌تر است (پریلی هریس و همکاران^۱، ۲۰۱۰).

در تحقیقات خارجی نیز نشان داده شده که اگرچه تعهد یا قصد برای ادامه رابطه، اغلب سازه‌ای کلی در نظر گرفته می‌شود، اما صراحتاً به سه نوع متمایز تقسیم می‌گردد که شامل: الف) تعهد نسبت به شریک زندگی براساس تمایل به باقی ماندن در رابطه، ب) تعهد به ازدواج، مرتبط با تعهدات اجتماعی یا مذهبی یا پیمان‌های یکپارچگی و مسئولیت، ج) تعهد اجباری براساس به دام افتادن در یک رابطه به دلیل هزینه‌ها و مشکلات موجود در فسخ کردن (آدامز و جونز، ۱۹۹۷؛ جانسون و همکاران^۲، ۱۹۹۹).

به نظر می‌رسد که امروزه در نظر جوانان کشورهای غربی، دو مفهوم «تعهد به زندگی با یکدیگر^۳» و «تعهد به ازدواج^۴» تفاوت کمی با هم دارند (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). تعهد در رابطه، حدی است که در آن افراد دیدگاه بلند مدتی روی رابطه شان دارند، برای رابطه فداکاری می‌کنند، برای حفظ و تقویت همبستگی و اتحادشان قدم برمی‌دارند و با شریکشان حتی هنگامی که رابطه شان پاداش دهنده نیست، می‌مانند (هارمون^۵، ۲۰۰۵). تعهد می‌تواند به عنوان انتخابی سودمند برای ادامه دادن به یک رابطه مستقل، تعریف شود و فرایندی پویاست که مؤلفه‌های عاطفی و شناختی و رفتاری را دربر می‌گیرد (یوسفی سهزایی، ۱۳۹۵).

بر طبق پژوهش (استنلی و همکاران^۶، ۲۰۰۷) مردانی که سابقه هم‌بالیینی پیش از ازدواج دارند، کمتر خود را وقف شریکشان می‌کنند اما این در مورد زنان صادق نیست و نتایج نشان داده که هم‌بالیینی پیش از ازدواج با هدف ازدواج به نسبت هم‌بالیینی بدون هدف ازدواج، دارای کیفیت رابطه بالاتری است. یافته‌های تحقیق ویگل^۷ و همکاران (۲۰۱۱) حاکی از آن است که تعهد در رابطه زوجین به صورت طبیعی به وجود می‌آید به شکلی که بروز رفتارهای متعهدانه از جانب یکی از طرفین رابطه (نظیر اظهارات محبت آمیز و تلاش برای زندگی) و دریافت‌های طرف دیگر، به صورت وابسته تعهد را به وجود می‌آورد.

کلین^۸ (۲۰۱۱) در تحقیق خود نشان داد نگرش‌های حاصل از مشاهده رفتارهای

1- Perelli-Harris et al.

2- Johnson et al.

3- commitment to live together

4- commitment to marriage

5- Harmon

6- Stanly et al.

7- Weigel

8- Clean

عهدشکنانه در محیط زندگی در سنین پایین بر رفتارها و نگرش‌های فرد در قبل و بعد از ازدواج تأثیر می‌گذارد. هر چه افراد به ازدواج نگرشی لیبرال تر داشته باشند، تعهد کمتری به زندگی مشترک دارند و نگرش مثبتی نسبت به روابط خارج از ازدواج خواهند داشت.

پولارد و هریتز^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «همبالینی و افزایش ازدواج (سازگاری، صمیمیت و تعهد)» به بررسی روابط همبالینی و متأهلین رسمی در ۱۷ ایالت آمریکا پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که زوج‌های هم‌بالین، اشتراکات اقتصادی کمتری نسبت به زوج‌های رسمی داشته‌اند. همچنین مردان تمایل بیشتری به داشتن مکان جدا از شریک خود نشان داده‌اند. زوج‌های همبالینی نیز نسبت به زوج‌های ازدواج کرده میزان صمیمیت کمتری گزارش کرده‌اند هر اندازه طول مدت همبالینی بیشتر شده است، عشق و صمیمیت بیشتری نیز گزارش شده است. همچنین زیمرمن و همستر^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به بررسی «تأثیر پایداری رابطه زوج‌های هم‌بالین بر کیفیت زندگی پرداخته‌اند. این پژوهش با جامعه آماری زوج‌های بین ۱۴ تا ۴۱ سال در کشور آلمان انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هم‌زنان و هم‌مردان در صورت پایدار بودن رابطه منفعت برده‌اند. اما در روابطی که ناپایدار بوده و به طول نینجامیده، تفاوت‌های جنسیتی مشاهده شده است. در روابط پایدار هر دو هم‌زن و هم‌مرد راضی بودند و در صورت ناپایداری رابطه، هر دوی زوجین ناراضی بودند.

با مروری در پیشینه تحقیق، متوجه می‌شویم تعداد پژوهش‌ها در زمینه ازدواج سفید در ایران انگشت شمار است؛ و تحقیقی که مستقیماً به واکاوی تجربه تعهد در این رابطه پرداخته شده باشد، وجود ندارد. بررسی تحقیقات خارجی نیز نشان می‌دهد که تعریف تعهد بر حسب سن و جنسیت در بین زنان و مردان رنگ و بوی متفاوتی گرفته است. تعاملات مثبت و منفی زوجین، طول مدت رابطه در ازدواج سفید نیز بر معنا و تعمیق تعهد در ارتباطشان تأثیرگذار بوده است.

۲-۲- چارچوب مفهومی

در این پژوهش، نظریه‌ها در فرایند تحقیق و تحلیل داده‌ها برای ایجاد حساسیت نظری و باز کردن ذهن محقق نسبت به مقوله‌ها، نقشی الهام بخش دارند. بنابراین دیدگاه‌های نظری ذیل چارچوب مفهومی قرار گرفته‌اند.

از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مطرح در این حوزه، تئوری آنتونی گیدنز است. گیدنز از

1- Pollard & Harris

2- Zimmermann & Hameister

رابطه ناب سخن می گوید. در این نوع رابطه که کیفیت رابطه و رضایت از آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ تأثیر تعهدات بیرونی بر بقای رابطه به حداقل می رسد. رابطه ناب منجر به نوعی رضایت فردی و درونی می شود که کاملاً از نفس رابطه برخاسته است و به هیچ عاملی بیرون از خود وابسته نیست و وجود این رضایت، شرط بقاء و ماندگاری رابطه است. رابطه ناب قبل از هر چیز در قلمرو دوستی‌ها و رفاقت‌های بسیار نزدیک به وجود می آید. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۹). می توان گفت مهم ترین ویژگی رابطه ناب، وجود رابطه به خاطر نفس رابطه است. در این ارتباط احساس تعهد به طرف دیگر رابطه و به خود فرایند ارتباط از اهمیت زیادی برخوردار است. با وجود این هر یک از طرفین رابطه می تواند و باید استقلال شخصی خود را حفظ کرده و به ارزش‌ها و باورهای فردی شان اعتماد داشته باشد. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۲). هرچند گیدنز عبارت «رابطه ناب» را درباره وضعیت ازدواج در دنیای مدرن به کار می برد اما می توان ویژگی‌های این رابطه‌ها را برای تبیین بهتر الگوهای مشابه ازدواج، همچون ازدواج سفید، نیز به کار برد. در این شکل از رابطه، عشق رمانتیک و نه الزام‌های اجتماعی دوران سنتی، طرفین را به سوی یکدیگر جذب می کند. همچنین قواعد بیرونی، الزامی برای متعهد ماندن ایجاد نمی کنند و زوجین به یکدیگر تعهد درونی دارند. همچنین در این سبک زندگی، طول مدت رابطه، از پیش تضمین شده نیست و رابطه تا هنگامی که مطلوبیت داشته باشد، ادامه می یابد و تضمینی برای زیستن در کنار یکدیگر در آینده به صورت از پیش تعیین شده و رسمی وجود ندارد (گلچین و صفری، ۱۳۹۶).

به اعتقاد گیدنز تغییراتی که در روابط صمیمانه صورت گرفته همگام با فرایند دموکراسی حرکت نموده است. جنبش‌های برابری خواهانه در قلمرو صمیمیت در دهه‌های اخیر نوع دیگری از رابطه را رقم زده است. در متأخرترین شکل صورت بندی عشق که گیدنز و باومن از آن به عشق سیال تعبیر می کند، تعهد سخت گیرانه و ضرورت پایداری در عشق رمانتیک به زیر سوال می رود. این نوع رابطه ویژگی‌های کاملاً متمایزی از روابط عاطفی پیشین دارد. زیرا برابری فرصت‌ها و اهمیت برابر طرفین رابطه، ویژگی‌هایی چون پویایی، اعتماد و تعادل قدرت را به ارمغان می آورند (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

تبیین‌های مدرنیته سیال باومن نیز به ویژگی‌های پست مدرن رابطه پرداخته است. از نظر زیگمونت باومن (۱۳۹۲: ۸۲) در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه اند، در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آنها را سلب نماید. فرد تنهای دنیای امروز به دنبال پر کردن این خلأ در پی رابطه ای است که احساس امنیت و آزادی را توأمان داشته باشد.

رابطه ای که در آن نیاز فرد برآورده شود. اما تعهدی جدی به پایدار ماندن این رابطه و پاسخگویی به انتظارات طرف مقابل وجود نداشته باشد. البته پایدار ماندن یک رابطه در دو جنبه بودن آن است. اما آنچه انسان مدرن را از رابطه هراسان می کند، تعهدی است که بهای آن آزادی او باشد. تعهد به ویژه از نوع بلندمدت، دامی است که افراد باید از آن دوری کنند. او عقیده دارد در زندگی سیال مدرن هیچ گونه پیوند دائمی و پایداری وجود ندارد و هر گونه رابطه ای که ما برای مدتی آن را ادامه می دهیم، باید بسیار سست باشد که تا حد امکان و به سادگی بتوان آن را با تغییر شرایط فسخ نمود (باومن، ۲۰۰۵).

۳- روش تحقیق

در این پژوهش از روش نظریه زمینه ای^۱ بهره گرفته می شود که نوعی شیوه پژوهش کیفی است و به معنی کشف معناها در خلال فعالیتها و زمینه‌ها است (کوربین و استراوس، ۲۰۰۸). هدف از این تحقیق، واکاوی تجربه تعهد از منظر افراد هم‌بالین و گونه‌شناسی^۲ آن است. روش این تحقیق، با توجه به ماهیت سنخ‌شناسانه بر مبنای برساخت تعهد و ارائه تیپولوژی توصیفی عمیق از روابط موجود بین دو جنس، ملهم از مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین بوده، اما خود را بدان متعهد نکرده است. بنابراین در این تحقیق به طور کلی امکان استخراج مقولات محوری در دسته‌های علی، مداخله گر، زمینه ای، راهبردی و پیامدی وجود ندارد. البته بر اساس این روش، ابتدا مقوله‌هایی را که به موضوع پژوهش مرتبط هستند، مشخص و از میان آنها به تفکیک واحدهای معنایی پرداخته شد و آن واحدهایی که شبیه یکدیگرند در ذیل یک دسته قرار گرفته اند. سپس بر اساس تحلیل آنها به الگوهایی مشخصی دست یافتیم که تا این مرحله به نوعی تحلیل تماتیک صورت گرفته است. به عبارتی محقق بررسی کرده که داده‌ها چه می گویند و در داده‌ها چه الگویی می توان یافت (محمدپور، ۱۳۸۸: ۱۳۵). میدان مورد مطالعه در این تحقیق، افرادی بودند که یا در ازدواج سفید به سر برده و یا تجربه آن را پشت سر گذاشته بودند و نیز ساکن در شهر اصفهان بودند.

در این پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری از نوع متوالی، ۱۸ نفر که تجربه ازدواج سفید داشتند مورد مصاحبه قرار گرفتند. در انتخاب نمونه‌ها سعی بر این بوده است تا مواردی رعایت شود از جمله اینکه مشارکت‌کنندگانی برای مصاحبه انتخاب شوند که غنی و پرمایه به لحاظ اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق باشند. بدیهی است که پیش از

1- Grounded Theory

2- Typology

مصاحبه فرایند اعتمادسازی با این اشخاص با دادن اطمینان خاطر به آنها جهت استفاده از صحبت‌های آنها فقط برای یک تحقیق علمی انجام شد. برای گردآوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ و تعاملی^۲ استفاده شد. این نوع مصاحبه به دلیل «انعطاف پذیری» و عمیق بودن آن برای پژوهش‌های کیفی از این دست مناسب است. بلافاصله بعد از هر مصاحبه، تجزیه و تحلیل با کدگذاری شروع و مفاهیم مناسب شناسایی شدند و در مقولات قرار گرفتند.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از دو تکنیک متعارف و مرسوم (پاتن، ۲۰۰۲؛ سیلورمن، ۲۰۰۵؛ کوال و برینکمن، ۲۰۰۹) زیر استفاده شد:

- ۱- کنترل یا اعتباریابی توسط اعضاء: در این روش از مصاحبه شونده‌گان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر دهند.
- ۲- مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی یافته‌ها با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- توصیف داده‌ها

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، ۱۱ نفر از مشارکت کنندگان زن و ۷ نفر مرد هستند. میانگین سنی پاسخگویان بالغ بر ۳۳ سال است. بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی و سپس به ترتیب دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، دیپلم و دکترا هستند. کمترین مدت زمانی که افراد در ازدواج سفید به سر برده اند، یک تا ۲۰ سال که بیشترین مدت زمان رابطه بوده است. ۶ نفر از پاسخگویان طلاق گرفته و پس از آن وارد ازدواج سفید شده اند و سه نفر بدون سابقه خاص در رابطه عاطفی و جنسی بوده اند.

۴-۲- بر ساخت اجتماعی پاسخگویان از مفهوم تعهد در ازدواج سفید

در ارتباط با نگرش افراد همبالمین به تعهد سه تیپولوژی کلی بر ساخته شده از تعهد که برگرفته از سه دوره زمانی است، شناسایی شد که متناسب با نوع نگاه حاکم بر هر دوره، معنای غالب تعهد در هر یک از این مدل‌ها، طی فرایندهایی ساخته شده است. در اینجا، ابتدا به نقاط

1- semi-structure interview

2- interactive

اشتراک این سه تیپ پرداخته می شود و سپس وجوه افتراق میان این سه مدل مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول ۱: مشخصات مشارکت کنندگان در تحقیق

شماره	نام	جنسیت	سن	میزان تحصیلات	شغل	مدت رابطه	سابقه رابطه پیشین
۱	کیمیا	زن	۳۷	کارشناسی	کارمند	۱۰ سال	رابطه محدود عاطفی
۲	گلنار	زن	۳۲	کارشناسی	بیکار	۱ سال	رابطه محدود عاطفی
۳	شیلا	زن	۵۳	کارشناسی	بازنشسته	۱ سال	طلاق
۴	نگین	زن	۲۴	دیپلم	بیکار	۳ سال	طلاق
۵	سامان	مرد	۳۳	دکتر	کارمند	۲ سال	بدون سابقه خاص
۶	هدی	زن	۳۳	کارشناسی ارشد	مترجم	۲ سال	طلاق
۷	نوید	مرد	۲۳	دیپلم	مربی	۲ سال	تجربه رابطه عاطفی و جنسی
۸	زری	زن	۲۷	کارشناسی	طراح	۳ سال و نیم	بدون سابقه خاص
۹	فهیمة	زن	۲۸	کارشناسی	دانشجو	۳ سال	تجربه رابطه عاطفی و جنسی
۱۰	مهتاب	زن	۳۱	کارشناسی ارشد	کارمند	۹ سال	رابطه عاطفی محدود
۱۱	مهدی	مرد	۳۱	کارشناسی	تاجر	۱۰ سال	تجربه رابطه عاطفی و جنسی
۱۲	فائزه	زن	۳۳	کارشناسی ارشد	کارمند	۹ سال	تجربه رابطه عاطفی
۱۳	حامد	مرد	۴۱	کارشناسی	کارمند	۲ سال و نیم	تجربه رابطه عاطفی و جنسی
۱۴	یوسف	مرد	۴۲	کارشناسی ارشد	کار آزاد	۲۰ سال	بدون سابقه خاص
۱۵	منا	زن	۴۲	کارشناسی ارشد	کارمند	۲ سال	طلاق
۱۶	اردلان	مرد	۳۸	کارشناسی	کار آزاد	۲ سال	طلاق
۱۷	الهه	زن	۳۲	کارشناسی	کارمند	۱ سال و نیم	طلاق
۱۸	پیمان	مرد	۲۲	کارشناسی	بیکار	۱ سال	تجربه متعدد روابط

۴-۲-۱- وجوه اشتراکی تیپ‌های شناسایی شده در مفهوم تعهد

تعهد در نگاه تمامی مشارکت کنندگان تحقیق یا مستقیماً به معنای اخلاق و منش انسانی بر ساخت شده و یا تفاسیر ذکر شده برای این مفهوم، به نوعی به شاخصه‌ها و مولفه‌های اخلاقی اشاره داشته است، این امر نشان می دهد که افراد در تعبیر خود از تعهد در ازدواج سفید به دنبال نوعی از اخلاقیات می گردند که در صحنه زیست اجتماعی یا به تمامی آن را نمی یابند و یا به قدر کفایت نمی بینند. از این رو مایلند که رابطه ای را تجربه کنند که الزامات، قواعد و

چارچوب‌هایش را در میدانی از مفاهیم اخلاقی تفسیر کنند. از معانی مشترکی که غالب افراد همبالمین در این تحقیق برای مفهوم تعهد روی آنها تاکید داشتند عبارتند از "تعهد به معنای پایبندی به اصول اخلاقی"، "اهمیت اخلاق در رابطه"، "رابطه اخلاقی" و "اصول انسانی" است. "من با این شرایط خیلی راضی هستم و به شرایط من می‌خورم، چون من نسبت به اخلاق خیلی حساسم تا مادیات، اخلاق خیلی برام مهمه و مادیات رو جزء فرعیات زندگی می‌دونم،". (شیلا)

"تعهد یعنی با پارتنرش درست و اخلاقی و انسانی رفتار کنه... تعهد یعنی اینکه اول صادق باشه دوم، به اصول اخلاقی و انسانی پایبند باشه سوم فقط با پارتنرش باشه و چهارم به نیازهای طرف مقابلش توجه کنه. ". (گلنار)

"فکر می‌کنم ماهیت یه رابطه اخلاقی اینه. یعنی نباید به دنبال محاسبه باشی. حتی اگه فقط تو کمک کنی. اون کمک به رشد خودت هم کمک می‌کنه". (سامان)

"من فقط اصول اخلاقی رو اعتقاد دارم. ما خیلی به همدیگه متعهد هستیم. یه سری اصول اخلاقی داریم همیشه تابع اونیم. ". (مهتاب)

۴-۲-۲- قائل بودن به ابعاد چندگانه‌ی مفهوم تعهد

از دیگر وجوه مشترک نگاه افراد همبالمین به مفهوم تعهد، چند بعدی بودن این مفهوم و وجوه مختلف آن است. برخی تعهد را در همه عرصه‌های زندگی همچون عاطفی، جنسی، مالی و فکری لازم می‌دانند و برخی صرفاً به ابعادی خاص آن را محدود می‌کنند.

"تعهد جنبه‌های مختلفی داره، تعهد جنسی، تعهد عاطفی، تعهد دوستی داریم. من تعهد رفتاری، عاطفی و تعهد زندگی دارم". (اردلان)

"تعهد وجوه گوناگونی داره خب. مثلاً یه معنی عامش اینه که وقتی با یه نفر رابطه‌ی جنسی داری با کس دیگه ای رابطه نداشته باشی". (فهیمه)

"اینکه تعهد رو در بودن صرف با یک نفر معنا کنیم، فقط یکی از اجزاشه. اجزای دیگه هم داره. مثلاً حیطة عاطفی و جنسی. من به تعهد در حوزه مالی اعتقاد ندارم". (سامان)

۴-۲-۳- تعهد در معنای حمایتگری، برآورده کردن نیاز، اولویت قائل شدن برای

شریک زندگی

شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که از نگاه مشارکت‌کنندگان ذیل اصول اخلاقی بدان اشاره شده بدین شرح اند: تعهد در معنای "حمایتگری و پشتیبانی از یکدیگر"، "برآورده کردن نیاز (عاطفی، جنسی، مالی)", "در اولویت قرار دادن شریک زندگی و توجه انتخابی به شریک زندگی"، "صداقت" و "اعتماد". در برآیند داده‌های تحقیق می‌توان گفت که مفاهیمی که در معنای

اجزا و شاخصه‌های اصول اخلاقی، به آنها اشاره شده، به نوعی هم پوشانی داشته‌اند. زمانی که فرد حمایت شدن و حمایت کردن را مصداق داشتن تعهد در رابطه عنوان کرده، به نوعی نگرشی معطوف بر تامین بخشی یا تمامی نیازهای طرفین در رابطه را مد نظر داشته است. از مهمترین نیازی که سوژه‌ها بدان تاکید داشتند و آن را مترادف با تعهد می دانستند، مشخصاً نیاز به توجه داشتن و در اولویت یکدیگر بودن است.

"من توو زمینه‌های فکری، برنامه ریزی، تکیه گاه بودن و اکثر زمینه‌ها میتونم روی فربد حساب کنم ولی نمیدونم در آینده چی پیش میاد." (زری)

"برای من تعهد این هست که توی فلان موضوع اگه قرار هست کنارم باشی، باش. جاهایی که باید باشی باشه. این رو من تعهد می دونم." (فائزه)

"در خصوص نیازهای عاطفی اش... کاملاً وظیفه خودم می دونستم. یکی از ابعاد تعهد به نظرم توی همین رابطه جنسی مشخص میشه. اینکه فقط به فکر ارضای نیاز خودت نباشی و تلاش کنی طرفت هم لذت ببره و راضی باشه." (سامان)

"سهیل آدمیه که وقتی ناراحتم بهم توجه می کنه، برام وقت می گذاره اگه چیزی من نیاز داشته باشم انجام میده" (الهه)

"همه حقوقش رو خرج من می کرد یا مثلاً اجازه نمی داد به مادر و یا خواهرش که از من ایرادی بگیرند و یا دخالتی در کار من بکنند... پشتم بود...". (نگین)

"نیما یک سری چیزهایی داره که توجهم رو جلب کرده، اولینش این بود که توجه کردن نیما به من در راس بود، نیما خیلی به من توجه داره و خیلی متعهد هست" (هدی)

۴-۲-۴- تعهد در معنای صداقت و اعتماد

جایی که یک سوژه از صداقت شریک خود سخن گفته، به نوعی اعتماد داشتن به او را نیز مطرح کرده است. در این برداشت، صراحت، شفافیت، عدم دروغ گویی، عدم پنهان کاری، خودافشایی در همه حیطه‌های زندگی و بیان احساسات و ناگفته‌ها برای شریک می تواند مصداق صداقت و اعتماد به او تلقی شده و تعهد فرد به شریکش را اثبات کند. به نظر می رسد که برخی مشارکت کنندگان صداقت و اعتماد را مترادف با مفهوم تعهد و برخی مبتنی بر صداقت و اعتماد می دانند به گونه ای که صداقت و اعتماد لازمه تعهد در رابطه است.

"من تا حالا ندیدم که فربد چیزی رو ازم پنهان کنه یا بخواد نقش بازی کنه و لاپوشونی کنه". (زری)

"تعهد در رابطه ما شفافیت محتوای قلب و ذهن و صداقت با همدیگه هست. حسین بهترین دوستی که دارم. ما همه چیزو براهم تعریف میکنیم". (فهیمه)

" به نظرم یکی از اجزای تعهد صداقت است. صداقت در بیان احساسات و افکار. یکیش هم اینه که چیزی رو ازش پنهان نکنی. " (سامان)

" بعضی وقتها احساس می کنم چیزهایی که برایش پیش میاد با من در میون نمی گذاره و اینها تو رابطه ما تاثیرگذاره. این باعث میشه که اعتمادم گاهی بهش خدشه دار بشه... من احساس می کنم اون اعتماد کامل رو به من نداره... اینکه پنهان کاری نکنه رو من جزء تعهد می دونم. " (فائزه)

" زیربنای رابطه از همه چیزش مهمتر هست که اون اعتماد و اتکا بوده، من می تونم بگم که یک سوپر اعتماد به نیما تو اون دوره پیدا کرده بودم، " (هدی)

جدول ۲: وجوه تشابه در مفهوم تعهد از منظر شرکت کنندگان تحقیق

اشتراکات تعریف تعهد از منظر افراد از ازدواج سفید
"تعهد به معنای پایبندی به اصول اخلاقی"، "اهمیت اخلاق در رابطه"، "رابطه اخلاقی"، "اصول انسانی"
قائل بودن به وجوه مختلف تعهد و چند بعدی دانستن مفهوم تعهد
ابعاد معانی تعهد به منزله یک امر اخلاقی
"تعهد در معنای حمایت از یکدیگر"، "تعهد در معنای برآورده کردن نیاز"، "تعهد به معنای در اولویت قرار دادن شریک زندگی و توجه انتخابی به شریک زندگی"
"تعهد به معنای صداقت و شفافیت"، "تعهد به معنای اعتماد"

۴-۲-۵- وجوه متمایز معنای تعهد به مثابه اخلاق؛ از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی

در رابطه با افتراق تعریف تعهد از منظر سوژه‌ها، برخی ممکن است تعهد به مثابه کنش اخلاقی را نزدیک به تعابیر منتسب به سنت‌ها و قواعد اجتماعی مفهوم سازی کنند و برخی دیگر تعهد در وجه فعل اخلاقی را به روایت خود و هر آنچه به رفتار انسانی و خرد خودبنیادشان نزدیک می‌دانند بر ساخت کنند. از این رو، معناسازی تعهد به مثابه امری اخلاقی، نسبی و سیال است و متناسب با شرایط و موقعیت اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی، شخصیتی، فکری و حتی علمی فرد، وجوه و ابعاد و تعابیر مختلفی به خود می‌گیرد. واضح است که مفهوم تعهد در گفتمان پیشامدرن، بیشتر به رنگ هنجارهای اجتماعی مرسوم و جمع‌گرایانه تر بر ساخته شده و از این رو بیشتر به "اخلاق متعارف" و رایج در مناسبات اجتماعی بیرونی شباهت دارد. در مقابل، در الگوی مدرن و پسا مدرن، مفهوم تعهد فردگرایانه‌تر، متکثرتر و سیالتر شده و همین امر حاکی از نگاهی "فراعرفی" و خودساخته به مفهوم تعهد است. از آنجا که "در جامعه بشری،

اعمال اجتماعی وسیع و پیچیده فقط به وسیله یک «فرایند تفسیری» در همه نقاط به شکل «ترتیب به هم پیوسته» رخ می‌دهند (بلومر، ۱۳۷۳: ۱۸۷). نگاه به تعهد از منظر افراد همبالمین به گونه‌ای است که نمی‌توان دقیقاً یک مرز مشخصی بین این افراد به شکل مطلق کشید و ادعان کرد که هر یک از این افراد در هر یک از این مدل‌ها قرار می‌گیرند، چرا که سیالیت این نوع زندگی آنچنان است که مفاهیم می‌توانند به سرعت تعابیر و تفاسیر جدیدی به خود گیرند و تجارب جدید وزن و اعتبار تازه‌ای به هر مفهوم می‌بخشند.

از این رو می‌توان، طیفی از سه تیپ برآمده از تحقیق را متصور شد که همه ویژگی‌های مفهوم تعهد بر روی آن قرار گرفته و سوژه‌ها بر حسب شرایط فردی و اجتماعی شان در هر یک از این الگوها جای می‌گیرند. نکته قابل توجه آن است که هر سوژه، گاه‌آ می‌تواند دربردارنده ترکیبی از دو مدل همجوار باشد یعنی گاه به شکل اخلاق متعارف و گاه به شکل فراعرفی رفتار نماید و یا در ترکیب دو گونه اخلاق فراعرفی بیانیدشد و رفتار نماید. نکته مهمتر آنکه تیپ‌های برآمده از تحقیق بر مبنای "دیدگاه و کنش غالب" این افراد استوارند. با توجه به این نکته می‌توان سوژه‌هایی را متصور شد که به شکل ترکیبی از دو الگوی همجوار باشند و در حدفاصل دو تیپ مشخص شده، قرار گیرند.

۴-۲-۶- گونه‌شناسی^۱ تعهد

گونه‌شناسی یا تیپولوژی به شناخت مجموعه‌ای از اشخاص گفته می‌شود که دست کم در یک ویژگی مورد مطالعه با یکدیگر مشترک باشند. (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۶). در فرآیند تیپولوژی مذکور و در مرحله کدگذاری باز، طی فرآیند خرد کردن و مفهوم پردازی داده‌ها، مفاهیم مهم یا زیر مقولاتی مانند رابطه مالکیت-کنترل، محافظه‌کاری، کمال‌گرایی، هیجان‌طلبی، معشوقه‌گرایی، لذت‌گرایی و غیره به دست آمد. در کدگذاری محوری نیز این زیرمقولات به یکدیگر پیوند داده شده تا اطلاعات در نظمی بالاتر دسته بندی شوند و بدین ترتیب مقولات محوری مانند "گرایش سلسله مراتبی مبتنی بر نقش‌های تجویزی"، "برابرطلبی جنسیتی مبتنی بر توافق و کیفیت" و "راحت طلبی مبتنی بر رضایت و لذت" به دست آمدند. در نهایت مقولات محوری به دست آمده در دو مقوله مرکزی با عنوان "اخلاق متعارف و اخلاق فراعرفی (قراردادی و فراقراردادی)" گرد هم آمدند و در رابطه با آن معنا پیدا کردند.

لازم به ذکر است که نام گذاری و دسته بندی این تیپولوژی الهام گرفته از نظریه اخلاق اجتماعی کلبرگ^۱ می‌باشد. توالی مراحل در نظریه کلبرگ، در سه سطح، طبقه بندی شده

است. کلبِرگ (۱۹۸۴) مراحل یک و دو را تحت عنوان سطح «پیش قراردادی»، با تعریف «دیدگاه فردی عینی»؛ سطح سه و چهار را تحت عنوان سطح «عرفی»، با تعریف «دیدگاه عضوی از جامعه»؛ و مراحل پیشرفته تر را با ویژگی استدلال مبتنی بر اصول اخلاقی، تحت عنوان سطح «فراعرفی»، با تعریف «دیدگاه مقدم بر جامعه» طبقه بندی کرده است (کلبِرگ، ۱۹۸۴: ۱۷۳).

جدول ۳. وجوه افتراق معانی تعهد در بین شرکت کنندگان تحقیق

تیپولوژی تعهد	متاثر از گفتمان	ویژگی غالب نوع رابطه	خاستگاه تعریف تعهد	ویژگی غالب شخصیتی	اولویت در معنای تعهد	قواعد رابطه اقتصادی	قواعد رابطه عاطفی و جنسی
اخلاق متعارف	پیشامدرن	سلسله مراتبی مبتنی بر نقش های تجویزی و مالکیت-کنترل	ساختار اجتماعی	محافظه کار مطلق گرا	امنیت به معنی محافظت و اطمینان خاطر از بقا و ثبات رابطه	نان آوری مرد و وابستگی زن به مرد در امور اقتصادی	تک رابطه گرایی به معنی انحصار گرایی عاطفی و جنسی، تحدید مرزهای رابطه، غیر منعطف
اخلاق فراعرفی (قراردادی)	مدرن	برابری طلبی جنسیتی مبتنی بر توافق و کیفیت	موقعیت اجتماعی در تعامل ساختار با عاملیت	کمال گرا نسبی گرا	امنیت عاطفی و جنسی و به معنای ایجاد پویایی و مراقبت از عشق	اشتراک اقتصادی و وجه زوجی داشتن در امور مالی بر مبنای توان اقتصادی طرفین	معشوقه گرایی، انحصار گرایی عاطفی و جنسی، عدم تحدید مرزهای رابطه، منعطف
اخلاق فراعرفی (فرا قراردادی)	پسامدرن	راحت طلبی، مبتنی بر لذت، رضایت و سیالیت	عاملیت فرد	هیجان-طلب و تجربه گرا	امنیت خاطر از بابت احترام به آزادی و حق انتخاب	استقلال اقتصادی طرفین از یکدیگر	انحصار گرایی عاطفی و عدم انحصار گرایی جنسی، جداسازی امر جنسی از زندگی مشترک، منعطف

۴-۲-۷- تعهد به مثابه اخلاق متعارف و متأثر از گفتمان پیشامدرن

سوژه در این تیپ، متأثر از گفتمان پیشامدرن (سنتی) است. ارزش‌های حاکم در این گفتمان همسو با قواعد و ساختار نظام اجتماعی بوده و آن را بازتولید می‌کند. تعهد در این دیدگاه، حکم اخلاقی است که مورد تایید جامعه و اطرافیان باشد. علاوه بر این سوژه موظف است به تعهدات و وظایف خود، به شکلی که جامعه تعیین کرده، عمل کند (شهشهانی، ۱۳۹۷: ۱۷۶). در این نوع دیدگاه، سوژه صرفاً در فرم جدیدی به نام ازدواج سفید به انتخاب سبک زندگی غیر متعارف خود دست زده است ولی به لحاظ محتوای نگرش و ارزش خویش مطابق با ارزش‌های جاری در ساخت اجتماعی می‌اندیشد و زیست می‌کند. به عبارتی، تعریف مفهوم تعهد در ذهن سوژه‌های این الگو، برگرفته از نظام اجتماعی حاکم است. در این مدل، قواعد ساختاری در فرد نهادینه شده و نگاه سوژه به خود و جامعه اش، از دریچه تعاریف متداول در متن جامعه، بر ساخت می‌شود. طبیعی است که این زاویه نگاه به تعاریف، به دلیل شکل جامعه پذیری فرد و موقعیت اجتماعی که در آن زیست می‌کند، بستگی دارد و در این حالت، همه عناصر زیست بوم فرد از جمله هویت اجتماعی، میزان تایید و پذیرش فرد در مناسبات و تعاملات اجتماعی اش به این نوع از تعریف وابسته است. در واقع، می‌توان گفت که افراد در این الگو به دلیل نیاز به تاییدات اجتماعی و عدم طرد اجتماعی در جامعه ای که در آن حضور دارند اگر نه الزاماً در انتخاب سبک زندگی، هنجارمند عمل نکرده اند ولی عملاً به لحاظ تعاریف ذهنی متناسب با اخلاق متعارف فکر کرده و زندگی می‌کنند.

عمده ترین تعریفی که در معنای تعهد سوژه در این تیپ به آن اشاره می‌کند، "تکرابطه گرای عاطفی و جنسی" به معنای "انحصار ارتباط عاطفی و جنسی با شریک زندگی" است. این تعریف از زمانی که فرم غالب در خانواده به شکل هسته ای درآمد، دوام و قوام بیشتری در جامعه پیدا کرده است.

" به نیت ازدواج وارد رابطه نشدم. اما خب دوست داشتم منجر بشه به ازدواج. مثلاً دلیل جداییم از اولی خیانتش بود. اینکه فقط با ی نفر باشه و همزمان با چند نفر نباشه و اینکه با اون ادم هم درست و اخلاقی و انسانی باشه" ... (گلنار)

"به عنوان زن من در خانه بود. ما تمام قواعد یک ازدواج رو داشتیم، ایشون حق نداشت بیراهه بره و من هم حق نداشتم بیراهه برم. ایشون از من خرجی می‌خواست و من هم از ایشون غذا و یک زندگی با آرامش می‌خواستم". (یوسف)

" نظر من از همون روز اول، این بود که دو نفر با هم باشند و حتی اگر قراره یک رابطه دوست دختری و دوست پسری داشته باشیم، باید سالم باشه و فقط در رابطه با یک نفر باشیم." (مهدی)

تخطی از حریم و حدودی که جامعه برای روابط زناشویی تعریف کرده است جرم است و این الزام در تعاملات این دسته از زوجین کاملاً مشهود است به شکلی که عدول از حریم و مرزهایی که زوجین با هم در قول و قرارشان تعریف کرده اند، می تواند به فروپاشیدن رابطه شان منجر شود. در بین این سوژه‌ها، تعهد، شبیه به نقش‌های تعریف شده اجتماعی و مجوزها و باید و نبایدها و تکالیفی است که اجتماع بر عهده زوجین در یک رابطه گذاشته است. انجام وظیفه کردن طبق فرمت‌های اجتماعی در این الگو، به معنای اخلاقی عمل کردن است. مناسبات بین دو طرف به شکل سلسله مراتبی و عمدتاً مردسالارانه و مبتنی بر احساس مالکیت مرد بر زن است. و از این رو، کنترل کردن طرفین نسبت به همدیگر برای اطمینان خاطر از ثبات، امنیت و ماندگاری شریک در رابطه مجاز می شود. تا مادامیکه فرد همبالمین شریک را ماندگار در رابطه میبیند، او را مقید و ملزم به رعایت چارچوب‌ها و هنجارهای برگرفته از جامعه در رابطه می داند.

"اول اینکه من از روز اول شروع کردم کم کم با گفتن خاطراتم، خط قرمزها رو مشخص کردم. وفاداری زیاد و حفظ وجه و شخصیت رو تاکید داشتم." (حامد)

"تابوهای رابطه را تعریف کردیم، تخطی از اونا غیر قابل بخششه." (مهتاب)

"درسته که ایشون همسر من نبود ولی هر گونه تعهدی که یک مرد به زنش داره، واقعا کوتاهی نکردم و همچنین ایشون هم واقعا کوتاهی نکرد. اون اوایل هم کنترل زیادی روی زندگی و او داشتم وقتی من می رفتم بیرون از خونه، به عنوان شوهر ایشون می رفتم و وقتی که ایشون در خانه بود مثل همسر من بود." (یوسف)

"تعهد یعنی اینکه ناخودآگاه این پیش میاد که همدیگه رو کنترل می کنید. نسبت به پارتنرم اوایل حس مالکیت از جانب من زیاد بود ولی الان مثل قبل نیستم." (اردلان)

"وقتی که یک زن سنتی و غیرمدعی در زندگی من وارد شد، دیدم که چقدر خوبه لامصب، که همه چیز رو به تو واگذار کنه، این نقش‌ها مدت‌ها برای من خیلی لذت بخش بود مثل مرد سنتی رفتار کردن." (حامد)

از سویی، نیاز اصلی این دسته از افراد، دریافت امنیت در رابطه به منظور حفظ ثبات و بقای رابطه است. به عبارتی، اولویتشان در معنی تعهد، امنیت به مثابه محافظت از رابطه و ماندگاری در رابطه است. از این رو در الگوی اخلاق متعارف همانند ازدواج رسمی، افراد با دادن تعهد در ازدواج، "امنیت" رابطه را تضمین می کنند. آنها آزادی خودشان را در ارتباط با شریکشان محدود می کنند به امید آنکه رابطه شان را پایدار کنند. از این رو مهمترین ویژگی شخصیتی

این افراد، که در جهت حفظ امنیتشان است، "محافظه کاری" است. چرا که نمی خواهند هزینه زیادی برای متفاوت بودن و ریسک پذیری بدهند. نگاه این افراد از زاویه اخلاق متعارف، به دنبال تایید نظر و قضاوت دیگران است و برای این افراد مقبول بودن در عرصه اجتماعی حائز اهمیت است. از این حیث، دیدگاه آنها درباره تعهد، مطلق‌گرایانه‌تر از دو تیپ دیگر و نزدیکتر به الگوی مورد تایید جامعه است. اگرچه ممکن است که این امنیت در رابطه بعد از مدتی به دلیل عمق پیدا کردن شناخت و عدم انعطاف پذیری به خطر بیفتد و از بین برود.

"تعهد یعنی قهر نکردن، یعنی قطع رابطه نباید بشه، اختلاف عقیده نباید دلیل قطع رابطه بشه. دوست دارم کسی رو که ثبات داشته باشه در رابطه". (اردلان)

"مهمترین ویژگی اون وفاداری هست. تعهد یعنی وفاداریو این برای من مهم هست. نسرین با خصوصیات اخلاقی خودش این اطمینان رو به من داد که میشه بهش تکیه کرد. من از ابتدا دنبال یک رابطه مستحکم و یک جورایی دنبال امنیت و ثبات می گشتم." (حامد)

"به واسطه امنیت من پیشرفت کردم. من چون آدم محافظه کاری بودم و اگه به موقع بهم شارژ روحی برسه می تونم پیشرفت کنم." (مهدی)

"ترس جدایی به خاطر وجود جامعه ناپاک همیشه هست و این هنر من و ایشون هست که در عین این همه ترس و احتمال خطر، این اطمینان و امنیت رو برای طرف مقابل ایجاد کنیم. هرچیزی که امنیت رابطه رو به خطر بندازه ممنوعه." (مهتاب)

قواعد مناسبات اقتصادی بین زوجین نیز همانند قواعد متعارف در رابطه زناشویی است. مردان در این الگو، بر این باورند که باید تامین کننده مخارج زندگی باشند و زنان نیز نگاهی وابسته به مردان در عرصه اقتصادی دارند. حتی اگر زنان خودشان دارای شغل و درآمد باشند باز مردان را مسئول تامین مخارج زندگی می دانند. این نوع نگاه برآمده از گفتمان پیشامدرن است که به تفکیک وظایف جنسیتی قائل است و نقش‌های سنتی را بر ساخت و بازتولید می کند.

"می تونم یک زندگی دو نفره رو راحت بدارم. دوست دارم پارتنرم درآمدش رو خرج خودش کنه، با دوستاش بره بگرده، تفریح کنه و نمی خوام که خرج خونه رو اون بده..." (حامد)

"همه مخارج خونه با خودم هست، قسط‌های وام همه با خودمه. به نظرم ازدواج خوب نیست. چون یک مرد باید امپراطور مالی خانواده باشه، زن و بچه توقع خرج داره، جامعه جوریه که از مرد توقع مالی داره و بعد می خوری به بن بست". (اردلان)

"ایشون تمکن مالی بالایی داره، بدون اینکه من چیزی بگم، خودشون از نظر مادی من رو تأمین می کنند. ایشون کارت بانکی من رو شارژ می کنه، خرید من رو انجام میدن و میارن، مناسبتها رو به جا میارن". (شیلا)

۴-۲-۸- تعهد به منزله اخلاق فراعرفی (قراردادی) و متأثر از گفتمان مدرن

تعهد در این الگو به منزله اخلاق فراعرفی (قراردادی) و متأثر از گفتمان مدرن است. ویژگی غالب نوع رابطه در این مدل، "برابری" است. برابری که مبتنی بر توافق و اجماع باشد و منتج به افزایش کیفیت رابطه گردد. خاستگاه تعریف تعهد در این الگو، متناسب با موقعیت و برخاسته از کنش متقابلی است که بین ساختار و عامل در می‌گیرد. بر همین اساس نگاه افراد به تعهد، چیزی میان جامعه و فرد است. به نظر می‌رسد که نوعی فاصله میان نگاه این افراد از آنچه جامعه بر مفهوم تعهد اطلاق می‌کند، به وجود آمده است. این فاصله حکایت از تأمل، بازاندیشی و خودکنشگری این افراد در بساخت مفاهیم دارد به گونه‌ای که بتوانند بیشترین بهره را در ساختن معناها به منظور افزایش کیفیت و رشد خود در زندگی بگیرند. به همین دلیل، بیشتر زنان هستند که در این الگو جای میگیرند چرا که آنها با انتخاب این سبک زندگی به نوعی می‌خواهند به اخلاق متعارفی که ایده آل‌هایشان را در آن نمی‌یابند، دهن کجی کنند. آنها با تاکید بر جنسیت زدایی به عوض جنسیت زدگی، بیشتر نوعی از اخلاق قراردادی را در رابطه شان حاکم می‌کنند که بتوانند به مطالبات مساوات طلبانه شان که مبتنی بر عدالت جنسیتی است پاسخ دهند. به نظر می‌رسد که سوژه در این مدل تعهدی از جنس "فردگرایی عادلانه" دارد که ذیل "اخلاق عادلانه" آن را درک و معنا می‌کند. فردگرایی که ضمن استقلال و خودکفایی فردی، بر برابری و عدالت در حقوق و وظایف در رابطه استوار است.

" با پارتنرم شرکت زدیم و شریک شدیم. بعد بهش پیشنهاد دادم با هم زندگی کنیم. نمی‌خواستم ازدواج کنم چون قوانین ایران به شدت تبعیض آمیزه، در واقع نوعی برده داری هست." (کیمیا)

"ما در واقع داریم در حق نه تنها دخترانمون بلکه پسرانمون هم خیانت می‌کنیم. ی‌جایی به مردهامون اجازه گریه کردن نمیدیم و به دخترهامون اجازه سترگ بودن نمیدیم. این بهره‌کشی هم از زنان و به نوعی هم از مردان هست.. من مادرهای زیادی رو دیده ام که به پسرانشون اجازه رابطه گرفتن با دختری را می‌دهند و به دخترانشون یک اسپیلون اجازه و حق قایل نمیشن که با پسری برخورد داشته باشه. من سعی می‌کنم به بچه‌ها و آدمها نگاه جنسیتی نداشته باشم و صرفاً در وجه انسان بودنشون بهشون توجه کنم." (زری)

" من کسی رو می‌خوام که ادا در نیاره، ظاهرسازی نکنه.. واقعا و عمیقاً به حقوق زنان احترام بگذاره." (نگین)

" اگه میرم کلاس ورزش و برمی‌گردم نگران شام هستم و و یک مردی برای شام بهم تیکه میندازه این رو بهش میگم یک مردسالاری بطئی و یک چیزی که زیرپوستی داره اتفاق می‌

افته. من همیشه ناراحت بودم از اینکه این کارها برای چی به اسم من خورده و وظیفه من شده؟! ". (هدی)

مهمترین شاخصه اخلاق عادلانه، "اشتراک" به معنای واقعی است. سوژه در این مدل، طالب "مشارکت" در عالی ترین سطح نردبان مشارکت است. او با نگرانی درباره داشتن سهم در عرصه‌های گوناگون زندگی زوجینی، هویت خویش را نه به عنوان یک زن بلکه به منزله یک انسان با حقوقی برابر مطالبه می کند. داشتن هر گونه حقی که یک انسان فارغ از جنسیتش می تواند داشته باشد. اشتراک اقتصادی و وجه زوجی داشتن در امور مالی بر مبنای توان اقتصادی طرفین از قواعد مناسبات اقتصادی برآمده از همین نوع نگاه است. زنان با گرفتن سهم در عرصه اقتصادی زندگی زوجینی، به نوعی وزن قدرت خویش را در کنار مردان تثبیت می کنند و به توانایی‌هایشان برای اداره امور زندگی مشترک، همپای مردان اعتبار می بخشند. اما عمده دلیلی که مردان در این مدل قرار می گیرند آن است که اغلب با ناتوانی در اداره کامل امور اقتصادی و تامین هزینه‌های زندگی دو نفره، سهم کردن زنان و تفویض اختیارات به آنان در زمینه مالی و مشارکت آنان را با منافع خود همسو دیده و فواید آن را بیش از زیان‌هایش ارزیابی می کنند. از این رو، آنها با بخشیدن بخشی از اقتدار خویش در حوزه تصمیم‌گیری، حمایت و مشارکت زنان را جهت پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی و عاطفی دریافت می دارند. همین مسأله، آرامش و امنیت عاطفی بیشتری برای مردان به ارمغان می آورد.

"ما مثل یه زوج تو اجتماع هستیم. حتی شریکی خونه خریدیم. ما کلا شریک هستیم. تو کار و زندگی. و هیچ کس هیچ حقی نداره که اون یکی نداشته باشه". (کیما)
 "من فکر می کنم زندگی مشترک یعنی تلاش مشترک...شادی مشترک...غم مشترک...ساختن زندگی با هم". (سامان)

"من سفارش خیاطی میگیرم و فرید هم ارثیه پدر بزرگش بهش رسیده که باهاش ساخت و ساز میکنیم و زندگی رو میگردونیم" (زری)

"نیما در قسمت مالی متعهد هست یعنی این جور نیستش که من احساس کنم، یکسره من باید بار رو به دوش بکشم، همینکه با هم تقسیم کار می کنیم کفایت می کنه،" (هدی)

مشارکت در زندگی، به احساسات خوشایند بیشتر و ارتقای سطح کیفیت روانشناختی زوجین منجر می شود. از این رو اولویت در معنای تعهد در این الگو، نوعی از امنیت است که به سطح عاطفی و جنسی طرفین غنا ببخشد و این امر نیز مستلزم مراقبت و توجه به حالات و روحيات شریک است. آنچه این رابطه عاشقانه را توسعه می دهد، توانایی زوجین در بالا بردن

شناخت از یکدیگر به منظور پویاتر کردن رابطه و نشاط بخشی به آن است. از این رو، در این مدل میل به دینامیک نگه داشتن و مراقبت از عشق با حفظ صمیمیت از جمله قواعدی است که در مناسبات عاطفی و جنسی حاکم می شود و به همین طریق کیفیت رابطه نیز سنجش می شود. از سویی، اگرچه از منظر افراد در این الگو، تعهد همچنان به معنای "انحصار رابطه عاطفی و جنسی با شریک زندگی" است اما مرزهای رابطه نسبت به مدل پیشامدرن، حالت مطلق و محدودی ندارد و به شکل منعطفی چارچوبها و قواعد بنا به شرایط و موقعیت اجتماعی هر فرد، امکان تغییر و جابجایی پیدا می کند.

"اگر من و فرید ازدواج کنیم، رابطه مون شاید از حالت خودمون بودن الان دربیاد و مرزبندی بشیم و این رو مثلاً از سمت فرید میدونم که باعث میشه خودش رو محصور حس کنه و من اصلاً این رو نمی خوام چون حس الانش رو خیلی بیشتر دوست دارم که میدونه می خواد با من باشه، اما روزی می تونه با هر کسی که بخواد در رابطه باشه، توضیحش ی کم سخته... آزاد بودن در دوست داشتن منظوره بیشتر" (زری)

"ازدواج سفید رابطه رو پویاتر نگه می داره... ازدواج رسمی نوعی محکومیت تووش داره که ازدواج سفید این رو نداره... (زری)

"تعهد یعنی احترام به خواسته طرف مقابل. حتی واسه پیری مون هم تصمیم گرفتیم. اینکه کجا زندگی کنیم و چیکار کنیم." (کیمیا)

واقعیت اینه که انگاری آدمها بدبختیهای رابطه خودشون رو دیدن و دارند به ما کمک می کنند که حداقل اگر شده یک نفر نجات پیدا کنه، یک نفر خوب و با کیفیت زندگی کنه، ما تنها چیزی که الان از رابطه میدونیم این هست که این رابطه داره کار میکنه،(هدی). (زری)

تیپ شخصیتی غالب افرادی که در این الگو قرار دارند، کمال گرایی است. آنها برای ساختن زندگی در بهترین سطح و با بالاترین کیفیت تلاش می کنند اما در عین حال منعطف و نسبی گرا هستند و الزامات و قواعد سخت و محکمی برای رابطه شان نمی گذارند. آنها به تاییدات و قضاوت اجتماعی واقعی ننهاده و طبق آنچه اصول اخلاقی خود می دانند رفتار می نمایند.

"بنظر من تو زندگی چیزی ۱۰۰ درصد نیست همه چی نسبه. خانواده من که میدونه و مشکلی نداره چون تو خانواده من همه اختیار دارن زندگی خودشون رو بکنن. به بقیه هم میگم و اصلاً قضاوتشون برام مهم نیست." (کیمیا)

"او خصلت‌های من رو خوب می شناسه که من تمام و کمال ذهنم معطوف به ایده آل بودنه (و میدونم به اشتباه) و هیچ اختلالی در این روند ایجاد نمی کنه" (هدی)

"من از بچگی خودم رو ادم بسیار مفیدی برای جامعه ام تصور میکردم، ادمی که میتونه یک ارمان شهر و اتوپیا داشته باشه، کسی که به درد میخوره و میتونه کاری برای کشورش و سرزمینش بکنه،". (زری)

"من کلا آدم ایده آل گرایی هستم... اما اینطور نیست که واقعیت رو کلا نادیده بگیرم. یکی از جنبه‌های ایده آل ازدواج واسه من اینه که طرف به لحاظ فکری کمک و تقویتم کنه." (سامان)

۴-۲-۹- تعهد به مثابه اخلاق فراعرفی (فراقراردادی) و متأثر از گفتمان پسامدرن

در این سطح، مفهوم تعهد متأثر از گفتمان پسا مدرن و به مثابه اخلاق فراعرفی است. معنای تعهد از منظر افرادی که در این مدل قرار می گیرند، متفاوت از معنای تعهدی است که در عرصه عمومی جامعه رایج است. از نگاه این دسته از افراد همبالیین، تعهد در رابطه بین زوجین باید دارای یک نوع سیالیت و راحتی باشد که رضایت و لذت انسان ذیل آن حاصل شود. اگر تعهد قاعده مند با مرز و حریم تعریف شده باشد که در آن چارچوب، فرد بخواهد از نیازهای واقعی خویش فاصله بگیرد، آنگاه این تعهد اصالت نخواهد داشت و به نوعی دروغین است. از این رو، معنای تعهد، اخلاقی است که اصالت وجودی داشته و عاملیت انسان بر اساس خرد خودبنیاد مرجع سازنده آن باشد. فرم کلی معنای تعهد در این الگو، "آزادی خواهی" است.

"نیما یک سیالیت و یک رهایی روحی داره که این رو هر کسی که میاد خونه ما و او رو میبینه، متوجه اش میشه، و این نه به معنای بی بند و باری در تفکر یا اینکه تعریف نداشته باشه و ... منظورم این سیالیت نیست، یک خصلت رهایی که همون چیزی که فکر می کنه رو اتفاقاً زندگی می کنه در خانواده ای گشوده بزرگ شده که خیلی جاها، محور لذت بوده". (هدی)

"حسین هیچ وقت منو چک نمیکنه یا بهم شک نمیکنه و منعم نمیکنه از ارتباط داشتن با آدما از ترس اینکه تعهد من خدشه ای بهش وارد بشه. میگه این قضیه خیلی بدیهیه که اگه ما از هم بدمون بیاد یا تو از کس دیگه ای خوشت بیاد من نمیتونم کاری کنم. ماندن در رابطه به هر دلیل ذیل عنوان وفاداری به شریک زندگی غلط است" (فهیمه)

"من حسابی باز نمیکنم روی چیزی که درهاله بخواد تغییر کنه، و حساب باز کردنه بخواد اذیت کنه من رو، چون آزار دهنده است و انگار تو بند خودم هستم و تنها مولفه ای که می تونم به عنوان صفت به کارش ببرم، راحتی هست برای من". (نوید)

ویژگی غالب شخصیتی افرادی که در این دسته جای می گیرند، هیجان طلبی و تجربه گرایی است. تجارب جدید، در بطن خودش هیجان می آفریند و همین امر لذت و رضایت سوژه را تامین می کند. خاصیت تجربه گرایی، ریسک پذیری است که دقیقاً خلاف محافظه کاری در

مدل پیشامدرن است. سوژه با جسارت به خرج دادن و بهره گیری از آزادی و استقلالش در رابطه، هزینه به خطر افتادن امنیت و ثبات رابطه را می پذیرد. این دسته از افراد، عمدتاً نه تنها در انتخاب سبک زندگی مشترک، بلکه حتی در انتخاب تحصیل، شغل، نگرش دینی و ... هم متفاوت اندیشیده و تعریفشان از تعهد هم به همین اندازه متمایز، متفاوت و فردی شده است.

"من هر چند روز به بار دوست دارم همه چیو تغییر بدم. هیجان طلبم. ما الان داریم سعی میکنیم مثل پدر و مادرمون زندگی نکنیم. آدمهای یک جانشین نباشیم که همه چی رو فدای تشکیل یه زندگی با ثبات میکنند". (فهمیه)

"من خیلی هیجان طلبم، هیجان حالم رو خوب میکنه، خواهرم میگه مواظب باش حوصله ات سر نره، حوصله ات سر بره، جنگ راه می اندازی، ی جا رو ویرون میکنی، کلا تنوع طلبم و کارهای ریسک پذیری دوست دارم انجام بدم. از ترسیدن لذت می برم، از خطر لذت می برم". (منا)

اولویت سوژه در معنای تعهد، در این الگو، شکلی از اطمینان خاطر است که بنیاد بر اصل احترام به حق انتخاب آزاد استوار است. سوژه در انتهای آن سر طیف، آزادی را مطالبه می کند که رضایت فرد محوریت آن بوده هر چند که ساخت اجتماعی آن حق را برنتابد. از همین رو، قواعد مناسبات عاطفی و جنسی بین زوجین نیز به شکلی سیال و منعطف است که در راستای حصول لذت و رضایت طرفین باشد. "انحصارطلبی عاطفی و عدم انحصارطلبی جنسی" نوعی جداسازی امر جنسی از امور زندگی مشترک است که نیاز به هیجان و تجربه را در این افراد مرتفع می سازد. این نوع تعهد مستلزم جسارت و البته حجم بالای پذیرش، درک متقابل و اعتماد به شریک در زندگی است.

"من حسین رو دوست دارم. الان که فکر میکنم با هیچ کس دیگه ای به جز اون نمی تونم زندگی کنم. کسی که آزادیهامو ازم نگیره و بهشون احترام بزاره. خودم خیلی سعی کردم کاری کنم که حسین آزادیهاشو داشته باشه. احترام به آزادی و انسانیت چیزیه که تو رابطه ما هست. من تو این ۶ سال دو بار فکر کردم عاشق یکی دیگه شدم. اون فقط سعی کرد حلش کنه. انگار که اون یه مریضی باشه...هیچ وقت ندیدم حسودی کنه". (فهمیه)

"الان من میبینم در این خونه چیزی به معنای اون ساختی که ما در بیرون این خونه میبینیم نداریم، چه در اقتصادش، چه در روابطش، چه در احساسش، چه در جنسیتش، نداریم به خاطر اینکه فرصت این رو داریم که بسازیمش و ریشه‌ای تر بسازیم و چیزی رو که دوستش داریم رو داریم می سازیم". (نوید)

از آنجا که این نوع نگاه می‌تواند برای رابطه مخاطراتی داشته باشد که هر لحظه ثابت و بقای رابطه به خطر بیفتد، تنها افرادی در این الگو جای می‌گیرند که به میزان بالایی استقلال داشته باشند. استقلال فکری و شخصیتی و استقلال اقتصادی عناصری تعیین‌کننده هستند که قواعد رابطه اقتصادی نیز متأثر از آن می‌باشد. افراد به منظور رهایی بیشتر و کاستن از نگرانی‌شان درباره وابستگی به یکدیگر، ترجیح می‌دهند که استقلال مالی‌شان را از یکدیگر حفظ کرده و تنها در صورت نیاز به کمک و حمایت از یکدیگر در امور مالی مشارکت می‌کنند.

"خونه خودم هستم، هم اصفهان خونه دارم و هم تهران، از لحاظ مالی مستقل هستم. خرج خودم هم تماماً با خودم هست" (منا)

"هر دو تامون از همون اول آگاه بودیم به اینکه کسی نباید حتماً مسئول برآورده کردن نیازهای مالی اون یکی باشه. من هیچ وقت این شکلی فکر نکردم که حتماً اون باید تامین‌کننده‌ی مالی زندگی دو نفرمون باشه. به خاطر همین همیشه دنبال کار کردن بودم." (فهیمه)

"در زمینه مالی هر کس سهم خودش رو پرداخت می‌کنه و به همدیگه وابستگی مالی نداریم." (نوید)

۵- بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج سفید محصول جریان مدرنیته است. مفهوم تعهد یکی از پروبلماتیک‌ترین مفاهیم عصر مدرن است؛ پرسش اصلی آن است که چگونه تعهدی امروزه می‌تواند صدای رساتری برای انسانیت انسان و شیوه اخلاقی زیستن او باشد؟ آیا تعهد یک مفهوم با تفسیری مطلق است که کلیت افراد در جامعه بر روی آن توافق دارند و یا مفهومی است که مانند دیگر مفاهیم مدرن، برساخته ذهن افراد است و بنا بر ویژگی‌های فرهنگی، ساختاری و شخصیتی می‌تواند دچار تغییر و نوسان معناشناختی گردد؟ جستجوی پاسخ برای این پرسش‌ها در تحقیق حاضر، نشان داد که مفهوم تعهد در ازدواج سفید از نگاه مشارکت‌کنندگان، نه تنها مفهومی با معنای ثابت و مطلق نیست بلکه در طی زمان و مکان و برحسب شرایط، تحول یافته و در چارچوب فضایل اخلاقی و سطوحی از اخلاق برداشت می‌شود. از وجوه تشابه معنای تعهد در ازدواج سفید، ملاحظه شد که افراد همبالمین، تعهد را یا در معنای امر اخلاقی و یا ذیل قواعد و اصول اخلاقی تعریف و برساخت می‌کنند. چند بعدی دانستن و قائل شدن به گستره این معنا در ساحت‌های مختلف زندگی همچون تعهد عاطفی، جنسی، فکری و مالی از دیگر وجوه تشابه این مفهوم در بین شرکت‌کنندگان بوده است. همچنین شاخصه‌هایی که این افراد، ذیل اصول اخلاقی عنوان می‌کنند به دو بعد تقسیم می‌شوند: بعد حمایت و بعد صداقت.

تیپولوژی مفهوم تعهد نیز بر مبنای افتراق معنای این مفهوم، در دو سنخ اخلاق متعارف و اخلاق فراعرفی شناسایی شد که بخش اخلاق فراعرفی هم خود به دو بخش قراردادی و فراقراردادی تقسیم گردید. به نظر می‌رسد که تعهد در الگوی اخلاق متعارف، با نظر دورکیم که اخلاق را صرفاً درون‌سازی مستقیم هنجارها و ارزش‌های یک فرهنگ خاص می‌دانست، مطابقت دارد (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۷). تعهد در این سنخ، به عنوان سازه‌ای اجتماعی در چارچوب اخلاقی "دیگر پیرو" و تابع ساختارهای مسلط بیرونی است. از این رو ویژگی غالب این نوع رابطه، سلسله مراتبی و مبتنی بر نقش‌های از پیش تعریف شده و مرسوم اجتماعی است. قواعد مناسبات اقتصادی، عاطفی و جنسی نیز، وزن و شکل الگوهای مسلط بیرونی را به خود گرفته و از آن پیروی می‌کنند. اولویت افراد در الگوی اخلاق متعارف، حفظ "امنیت" و تلاش برای ثبات و بقای رابطه است و به همین جهت این افراد غالباً شخصیتی محافظه کار و مطلق‌گرا دارند.

اما معنای تعهد در مدل اخلاق فراعرفی (قراردادی)، از گفتمان مدرن پیروی می‌کند. گفتمانی که در آن نقش‌های جنسیتی کمرنگ‌تر شده و "برابری طلبی" عنصر غالب رابطه است. در این الگو، جوهره تعهد، اخلاق متکی بر انصاف یا عدالت با رویکرد «چنان رفتار کن که مایلی با تو رفتار شود» است که در کنش‌ها و واکنش‌های زوجین با یکدیگر حاصل می‌شود. از این رو، شخصیت غالب این افراد کمال‌گرا و به دنبال ایده‌آل‌های برابری‌طلبانه است که در جریان تعاملاتی از نوع همکاری و مشارکت ساخته می‌شود. این نوع تعهد منشأ "اخلاق تعاونی" مبتنی بر مشارکت است که مناسبات مالی، عاطفی و جنسی بین زوجین را رقم می‌زند. همچنین این دسته از افراد، نگاهی نسبی‌گرا به مفاهیم دارند و مقررات اخلاقی را آفریده اشخاص و ناظر به منافع و مصالح مردم و حاصل توافق افراد می‌دانند. همچنین در ارزیابی اخلاقی شان علاوه بر پیامدهای عینی، احساسات و دیدگاه‌های افراد و نیت‌های فاعل را مد نظر می‌گیرند و بر همین قاعده، در مراقبت از عشق کوشاتر و اولویت شان امنیت عاطفی و روانی است. به همین منظور، تلاش می‌کنند استدلالات اخلاقی را از طریق مشارکت در بحث‌های اخلاقی و تصمیم‌سازی دموکراتیک تسهیل نمایند. این نوع از اخلاق در حفاصل دوره پیشامدرن و پسامدرن واقع است و به نظر می‌رسد منطبق بر بخشی از انگاره‌ها و قوانین زندگی زناشویی در دوران مدرن باشد.

اما سنخ اخلاق فراعرفی (فراقراردادی)، متأثر از دوره پسامدرن است. در این الگو، عاملیت فرد خاستگاه تعریف تعهد بوده و شکلی از اخلاق "خودپیرو" را می‌سازد که دقیقاً به معنای «قوانین از ناحیه خود» است؛ به نوعی تبعیت از اصول اخلاقی خودگزیده دارند. زمانی که

قوانین، اصول اخلاقی را نقض می‌کنند، فرد بر اساس اصول اخلاقی خویش عمل می‌کند. انسان در هیأت شهروند جهانی است: "جهان، وطن ماست و همه انسان‌ها، هم‌وطن ما"^۱ (مک فارلند، ۲۰۱۹). این نوع نگاه متکی بر اصول جهانی عدالت است: برابری حقوق انسان‌ها و احترام برای شرافت و کرامت انسان. این دیدگاه، دیدگاه فردی عقلانی است که جوهره اخلاق را به رسمیت می‌شناسد؛ این حقیقت که اشخاص به خودی خود ارزشمند هستند و بایستی این گونه با آنها رفتار کرد (کلبرگ، ۱۹۸۴: ۱۷۳). مترتب بر این دیدگاه، اولویت این افراد در معنای تعهد، احترام به آزادی و حق انتخاب آزاد بوده تا در صورتی که در عرصه اندیشه و احساسشان، تغییری حاصل شد، بتوانند تصمیم‌های خود را در رابطه بازننگری و مطابق با آن عمل نمایند. هیجان‌خواهی و تجربه‌گرایی ویژگی غالب شخصیتی این افراد است و ویژگی غالب نوع رابطه، راحت‌طلبی مبتنی بر رضایت و لذت است. افراد قواعد رابطه را بر مبنای شناخت دقیق از خود استوار می‌سازند. به همین دلیل، جوهر رابطه در این الگو شدیداً وابسته به صداقت و اعتماد متقابل است و متعاقباً پایداری رابطه نیز متأثر از آن می‌باشد. زوجینی که شناخت و اعتماد متقابل کافی از یکدیگر دارند در مناسبات عاطفی و جنسی، گشوده و منعطف عمل کرده و معتقدند که حتی برای تأمین نیاز به هیجان در شریکشان، امر جنسی را از امر عاطفی باید جدا نمود. در حوزه اقتصادی نیز، خودکفایی مالی وجود داشته و طرفین از یکدیگر استقلال اقتصادی دارند. اگرچه این استقلال، به معنای عدم حمایت از یکدیگر در زمان نیاز نمی‌باشد بلکه به معنای فردگرایی حاکم بر این نوع رابطه است.

به طور کلی، تعهد در ازدواج سفید طیفی از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرپی (است که در یک سر طیف معنای عرفی‌اش قرار دارد که برگرفته از معنای رایج اجتماعی و متأثر از هنجارهای مسلط بیرونی بوده و قواعد مرسوم در روابط زناشویی رسمی در این سنخ حاکم است. این طیف از امنیت برای تثبیت و بقای رابطه شروع شده و به سمت رهایی بخشی در سر دیگر طیف میل می‌کند. نگاه به تعهد در این الگو، معطوف به ازدواج رسمی بوده و مهیا نبودن شرایط و لوازم زندگی زناشویی رسمی عمده دلیل ورود به ازدواج سفید ذکر شده است. از این رو ازدواج رسمی گزینه ای است که این افراد مایل به انتخابش هستند تا پذیرش و تایید اجتماعی مورد نیازشان را کسب نمایند. اما در دامنه دیگر طیف، اخلاق فراعرپی قرار دارد که ناظر به مراحل است که به طور عادی در جامعه بشری قابل مشاهده بوده و نسبتاً خودانگیخته و غیرمتأثر از ایدئولوژی‌های فرهنگی است. تعهد در این دامنه، معنایی درونی‌شده‌تر، فردی-

1- "The world is my country, and all mankind are my brethren."

2- McFarland

شده‌تر و خودگزیده‌تر دارد. در این سر طیف، تعهد احترامی است که به انتخاب آزاد فرد در رابطه گذاشته می‌شود. در نهایت می‌توان گفت، تعهد در ازدواج سفید، معنایی وسیع، چندبعدی، غیرثابت، نسبی و سیال دارد و نمی‌توان این مفهوم را در این سبک از زندگی، ذیل یک قاعده کلی، ارزش‌گذاری نمود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۱). همخانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۳(۱)، ۴۳-۷۷.
- باومن، زیگمونت (۱۳۹۲). *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*. ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.
- بلومر، هربرت (۱۳۷۳). *آینده بنیانگذاران جامعه شناسی*. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: نشر قومس.
- جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۰). دیدگاه‌های شناختی تحولی در رشد اخلاقی. *معرفت اخلاقی*، ۲(۴)، ۱۰۱-۱۲۲.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). *قواعد روش جامعه شناختی*. چاپ ششم. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
- زرنندی، مرجان؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی و کیانیپور، مسعود (۱۳۹۶). زنان و برساخت اجتماعی تعهد زناشویی. *راهبرد فرهنگ*، ۳۸(۳)، ۱۶۳-۱۲۷.
- زمانی، مهدی (۱۳۸۸). اعتبارگرایی جان رالز و نظریه ادراکات اعتباری. *مجله متافیزیک*، ۱(۳)، ۸۷-۱۰۰.
- شهشهانی، سید محمد حسن (۱۳۹۷). *بهره‌وری و کیفیت در سازمان‌ها و افراد (بالندگی فردی)*. اصفهان: انتشارات علم گستران.
- فرامرزی، فرزانه؛ مهدوی، محمدصادق و ترکمان، فرح (۱۳۹۶). برساخت اجتماعی همبالینی بر اساس تجربه زیسته نمونه‌ای از هم‌باشان. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱(۱)، ۹۲-۱۱۹.
- قلی‌زاده، آذر؛ بانکی‌پورفرد، امیرحسین و مسعودی‌نیا، زهرا (۱۳۹۴). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۵۷)، ۳۹-۶۴.

- گلچین، مسعود و صفری، سعید (۱۳۹۶). کلان شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند، و پیامدهای هم خانگی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۳۷، ۵۷-۲۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). *چکیده آثار آنتونی گیدنز* (چاپ دوم). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر ققنوس.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۸). تحلیل داده‌های کیفی؛ رویه‌ها و مدل‌ها. *مجله انسان‌شناسی*، ۱۰(۱)، ۱۶۰-۱۲۷.
- یوسفی سهزایی، نوید (۱۳۹۵). *مقایسه تعهد، ثبات و رضایت زناشویی در مردان متأهل، با توجه به روابط پیش از ازدواج* (پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی).
- هاشمی، سیدضیاء؛ فولادیان، مجید و فاطمی امین، زینب (۱۳۹۳). بررسی تجربی دو نظریه رقیب همسرگزینی در ایران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷(۴)، ۱۸۷-۱۵۷.
- Adams J. & W. Jones. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *J PERS Soc Psychol*. 72(5), 1177-1196.
- Bauman, Z. (2005). *Liquid Life*. Cambridge: Polity Press.
- Bauman, Z. (2008). *The Art of Life*. Cambridge: Polity Press.
- Bumpass, Larry L., and James A. Sweet (2001). Marriage, divorce, and intergenerational relationships. The wellbeing of children and families: Research and data needs,
- Bumpass, L. L., & Sweet, J. A. (2001). Marriage, divorce, and intergenerational relationships. In A. Thornton (Ed.). *The well-being of children and families: Research and data needs*. (pp. 295-313). Ann Arbor: University of Michigan.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research*. London: Sage.
- Edin, K., Kefalas, M. J., & Reed, J. M. (2004). A peek inside the black box: What marriage means for poor unmarried parents. *Journal of Marriage and Family*, 66(4), 1007-1014.
- Johnson, M. P., Caughlin, J. P., & Huston, T.I. (1999). The tripartite nature of marital commitment: personal, moral and structural reasons of married. *Journal of marriage and family*, 61, 1-16.

- Harmon, Kh. D. (2005). *Black men and marriage: The impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on satisfaction* (Unpublished doctoral dissertation, university of Alabama).
- Kleine, M. (2011). *The Impact of accounts and attributions following marital infidelity* (A Dissertation Resented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy. university of Missouri-Columbia).
- Kohlberg, L. (1984). *Essayes in moral development: The psychology of moral development*. New York: Harper & Row.
- Kulu, H., & Boyle, P. J. (2010). Premarital cohabitation and divorce: Support for the "Trial Marriage" Theory?. *Demographic Research*, 23, 879-904.
- Kvale, S & Brinkman, S. (2009). *InterViews: learning the craft of qualitative research interviewing*. Second Editions. Sage Publications.
- Mahboobi, Elaheh (2016), "White Marriage" in contemporary Iran, *Imperial Journal of Interdisciplinary Research (IJIR)*, 2(12), 1283-1288.
- Murrow, C., & Shi, L. (2010). The influence of cohabitation purposes on relationship quality: An examination in dimensions. *The American Journal of Family Therapy*, 38(5), 397-412.
- Nock, S. L. (1995). A comparison of marriages and cohabiting relationships. *Journal of Family Issues*, 16(1), 53-76.
- Nock, Steven L. (2009). The growing importance of marriage in America. In: Elizabeth Peters, H., Kamp Dush, Claire M. (Eds.), *Marriage and family, perspectives and complexities* (pp. 301–344). New York: Columbia University Press.
- Patton, M. (2002). *Qualitative research & evaluation methods*. London: Sage Publication.
- Perelli-Harris, B., Sigle-Rushton, W., Kreyenfeld, M., Lappegård, T., Keizer, R., & Berghammer, C. (2010). The educational gradient of childbearing within cohabitation in Europe. *Population and development review*, 36(4), 775-801.
- Pollard, Michael S. & Harris, Kathleen Mullan (2013). Cohabitation and marriage intensity: consolidation, intimacy, and commitment. *RAND Labor & Population*, 1-24.
- Pollard, M., & Harris, K. (2013). *Cohabitation and marriage intensity consolidation, intimacy, and commitment* (No. WR-1001). RAND Corporation.

- Rhoades, G. K., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2009). Couples' reasons for cohabitation: Associations with individual well-being and relationship quality. *Journal of Family Issues, 30*(2), 233-258.
- Stanley, S. M., Rhoades, G. K., & Markman, H. J. (2006). Sliding versus deciding: Inertia and the premarital cohabitation effect. *Family Relations, 55*(4), 499-509.
- McFarland, S., Hackett, J., Hamer, K., Katzarska-Miller, I., Malsch, A., Reese, G., & Reysen, S. (2019). Global human identification and citizenship: A review of psychological studies. *Political Psychology, 40*, 141-171.
- Waller, M. & Peters, E. H. (2008). The risk of divorce as a barrier to marriage among parents of young children. *Social Science Research, 37*, 1188-1199.
- McFarland, S., Hackett, J., Hamer, K., Katzarska-Miller, I., Malsch, A., Reese, G., & Reysen, S. (2019). Global human identification and citizenship: A review of psychological studies. *Political Psychology, 40*, 141-171.
- Weigel, D. J., Brown, C., & O'Riordan, C. K. (2011). Everyday expressions of commitment and relational uncertainty as predictors of relationship quality and stability over time. *Communication Reports, 24*(1), 38-50.
- Weigel, D. J., Brown, C., & O'Riordan, C. K. (2011). Everyday expressions of commitment and relational uncertainty as predictors of relationship quality and stability over time. *Communication Reports, 24*(1), 38-50.